



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۱۷



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

جوابی مختصر!



وبسایت «افغان جرمن آنلاین» به تاریخ ۲۹ نومبر سال جاری، سبکسرانه عقده گشائی کرده و به بهانه ذکر کلمه «لک بخشی» که هیچ گونه اهانتی در آن دیده نمیشود، به اصطلاح عامیانه کابل نازنین «جُل و پوستک» مرا از آب کشیده و آن را به نظرخواهی مانده است که تعدادی از «خوانندگان»، ابراز نظر تلخ و شیرینی هم کرده اند. طوری که می بینم، نحوه و ریخت خرده گیریها، خود عدم تسلط و ناتوانی ناقدان را در چنین مسائل ثابت می سازد. با وجودی که نمی خواستم سر خود و عزیزان را به درد بیاورم، مختصراً به پاره ای از خرده ها می پردازم:

"به داد رسیدن" از جمله کلمات "اضداد" است که بر دو معنای متضاد دلالت دارند؛ چنانچه "مولا" نیز در دو معنای متضاد "نوکر" و "بادار" استعمال می شود. "داد" در معنی "عدل" است و "به داد رسیدن" یعنی تأمین عدالت بین ظالم و مظلوم. اگر ظالم مجازات گردد، عیناً به معنای رساندن حق به مظلوم است. پس "به داد رسیدن" هم در معنای احقاق حق مظلوم است و هم کیفر کردن ظالم. من این کلمه را دو سه سال پیش در یکی از سروده هایم به عنوان «در غزه آتش می بارد» گنجانده و به نشر سپرده بودم که از طرف جنابی به نام «کریم آذر» انتقاد و به جواب آن در پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مفصل پرداخته شده بود. اینک همان مطلب، با همان مضمون به نام مستعار «پیام» از کابل «؟؟؟» «علی پیام برادر مرحوم حسین نهضت، فعلاً مقیم مشهد که امیدوارم تا هنوز با صحت کامل در قید حیات باشند، از دوستان دیرین و عزیز من»، از آرشیف افغان جرمن آنلاین، چون حربه ای در برابرم استعمال می گردد. دلیل این برافروختگی و خرده گیری را ندانستم در چیست؟؟ در نوشته مورد بحث، تذکر کلمه «لک بخشی» به مرحوم «هاشمیان» ابدأً به مفهوم انتقاد و اهانت نوشته نشده، بلکه از زبان یک دوست به دوست ارقام گردیده است، چنانچه در صحبت های تلفونی که هنگام حیات شان، هر یکی دو ماه با هم داشتیم، این ترکیب را در برابر خودش به شوخی و مزاح اظهار کرده ام. به هر حال هرچه باشد عقده دیرینه ای بود که بدین بهانه گشوده شده است و نه: ما همانیم که بودیم و چنانیم که هستیم.

طی طریق طولانی و صعب العبور زندگانی با فراز و نشیب ها و تلخی و شیرینی های بی حساب، اگر از من تندباد خانه برانداز نساخته باشد، که خوشبختانه نساخته است، نسیم گوارای عشق و محبت ساخته است، که با پخش عطر دوستی و همدلی حتی مغز کوردلان را معطر میسازد:

ز طعن بدسگالان، پنبه ای در گوش میمانم
جفنگ از ابلهی گر بشنوم، خاموش میمانم
«ادب پرورده دامن» مهر و الفتم، زان رو
اگر دردی رسد از ناکسان، بر دوش میمانم
"خموشی فیضها دارد"، از آن پیوسته خاموشم
ز جنگ سفلگان حیرتزده، مدهوش میمانم
سخن دُر است، اما در کف جاهل خزف گردد
به هر گندیده حرفی، از ادب سرپوش میمانم
نمی دام چه آفت گشته، دامنگیر بدکیشان؟
من از این کینه توزیهای شان مدهوش میمانم
"اسیر" ارچند، بدخواهان به گوشم یاوه میخوانند
خموشی میگزینم، یا سراپا گوش میمانم



تذکر

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند
نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز و عزیز همه دلها
جناب ملک الشعراء محمد نسیم اسیر
را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس ایشان در صفحه مقالات،
به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!
ولی احمد نوری

جوابی مختصر

Assir_nacim_djawaab_e_mokhtassar.pdf